



استاندارد حسابرسی ۲۶۵

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی

فهرست مندرجات

بند	کلیات
۱-۳	دامنه کاربرد
۴	تاریخ اجرا
۵	هدف
۶	تعاریف
۷-۱۱	الزامات
	توضیحات کاربردی
ت-۱ تا ت-۴	تعیین اینکه آیا ضعفهای کنترلهای داخلی مشخص شده اند یا خیر
ت-۵ تا ت-۸	ضعفهای بااهمیت کنترلهای داخلی
ت-۹ تا ت-۲۵	اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی

این استاندارد باید همراه با استاندارد حسابرسی ۲۰۰ "اهداف کلی حسابرس مستقل و انجام حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی" مطالعه شود.

استاندارد حسابرسی ۲۶۵

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی

کلیات

دامنه کاربرد

۱. این استاندارد، به مسئولیت حسابرس در زمینه اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی^۱ مشخص شده در حسابرسی صورتهای مالی، به ارکان راهبری و مدیران اجرایی (حسب مورد) می پردازد. این استاندارد، در رابطه با مسئولیتهای حسابرس برای کسب شناخت از کنترلهای داخلی و طراحی و اجرای آزمون کنترلها، نسبت به آنچه که در استانداردهای ۳۱۵ و ۳۳۰ مطرح شده است، الزامات بیشتری را مقرر نمی کند. در استاندارد ۲۶۰ الزامات و رهنمودهای بیشتری در خصوص مسئولیت حسابرس برای اطلاع رسانی به ارکان راهبری ارائه شده است.
۲. حسابرس برای تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت باید از کنترلهای داخلی مرتبط با حسابرسی صورتهای مالی شناخت کسب کند.^۴ در انجام این ارزیابیها، حسابرس کنترلهای داخلی را به منظور طراحی روشهای حسابرسی مناسب شرایط موجود و نه به قصد اظهار نظر نسبت به اثربخشی کنترلهای داخلی ارزیابی می کند. حسابرس ممکن است ضعفهای کنترلهای داخلی را نه تنها در جریان فرایند ارزیابی خطر، بلکه در هر مرحله دیگری از حسابرسی نیز مشخص کند. در این استاندارد آن دسته از ضعفهای مشخص شده توسط حسابرس که لازم است به ارکان راهبری و مدیران اجرایی اطلاع رسانی شود، تصریح شده است.
۳. این استاندارد مانع از آن نیست که حسابرس، سایر موضوعات مربوط به کنترلهای داخلی را که در جریان حسابرسی مشخص کرده است، به اطلاع ارکان راهبری و مدیران اجرایی برساند.

تاریخ اجرا

۴. این استاندارد برای حسابرسی صورتهای مالی که دوره مالی آنها از اول فروردین ۱۳۹۴ و پس از آن شروع می شود، لازم الاجراست.

هدف

۵. هدف حسابرس، اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی مشخص شده در جریان حسابرسی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی (حسب مورد) است، که به نظر حسابرس، برای آنها دارای اهمیت کافی است.

تعاریف

۶. در استانداردهای حسابرسی، اصطلاحات زیر با معانی مشخص شده برای آنها بکار رفته است:
- الف - **ضعف با اهمیت کنترلهای داخلی** - یک ضعف یا ترکیبی از ضعفهای کنترلهای داخلی که به نظر حسابرس برای ارکان راهبری دارای اهمیت کافی باشد.
- ب - **ضعف کنترلهای داخلی** - ضعف کنترلهای داخلی در مواردی وجود دارد که:
 - ب-۱. کنترلهای داخلی به شیوه ای طراحی، پیاده سازی یا اجرا شود که قادر به پیشگیری، یا کشف و اصلاح به موقع تحریف در صورتهای مالی نباشد، یا
 - ب-۲. کنترلهای داخلی لازم برای پیشگیری، یا کشف و اصلاح به موقع تحریف در صورتهای مالی وجود نداشته باشد.

الزامات

۷. حسابرس باید بر مبنای کار حسابرسی انجام شده، تعیین کند که آیا ضعف یا ضعفهایی در کنترلهای داخلی مشخص شده است یا خیر. (رک: بندهای ت-۱ تا ت-۴)
۸. اگر حسابرس ضعف یا ضعفهایی را در کنترلهای داخلی مشخص کرده باشد باید بر مبنای کار حسابرسی انجام شده تعیین کند که آیا این ضعفها به تنهایی یا در مجموع، با اهمیت محسوب می شوند یا خیر. (رک: بندهای ت-۵ تا ت-۸)
۹. حسابرس باید ضعفهای با اهمیت کنترلهای داخلی مشخص شده در جریان حسابرسی را به طور مکتوب و به موقع به اطلاع ارکان راهبری برساند. (رک: بندهای ت-۹ تا ت-۱۵، و ت-۲۳)
۱۰. حسابرس باید موارد زیر را نیز به موقع به اطلاع سطح مناسبی از مدیران اجرایی برساند: (رک: بندهای ت-۱۶ و ت-۲۳)
 - الف - ضعفهای با اهمیت کنترلهای داخلی که حسابرس آنها را به طور مکتوب به ارکان راهبری اطلاع رسانی کرده است یا قصد دارد اطلاع رسانی کند، مگر اینکه اطلاع رسانی مستقیم به مدیران اجرایی در شرایط موجود مناسب نباشد، و (رک: بندهای ت-۱۱ و ت-۱۷)

۱. استاندارد حسابرسی ۳۱۵، "تشخیص و ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت از طریق شناخت واحد تجاری و محیط آن (تجدید نظر شده ۱۳۹۳)"، بندهای ۴ و ۱۲

۲. استاندارد حسابرسی ۳۳۰، "برخوردهای حسابرس با خطرهای ارزیابی شده (تجدید نظر شده ۱۳۹۳)"

۳. استاندارد حسابرسی ۲۶۰، "اطلاع رسانی به ارکان راهبری"

۴. استاندارد حسابرسی ۳۱۵، بندهای ۱۲ و ت-۶۷ تا ت-۷۲ رهنمودهایی در مورد کنترلهای مربوط به حسابرسی فراهم می آورد.

استاندارد حسابرسی ۲۶۵

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی

- ب - سایر ضعفهای کنترلهای داخلی مشخص شده در جریان حسابرسی که توسط اشخاص دیگر به مدیران اجرایی اطلاع رسانی نشده و به نظر حسابرس برای مدیران اجرایی دارای اهمیت کافی است. (رک: بندهای ت-۱۸ تا ت-۲۲)
۱۱. اطلاع رسانی کتبی حسابرس در مورد ضعفهای بااهمیت کنترلهای داخلی باید شامل موارد زیر باشد:
- الف - شرحی از ضعفها و تشریح آثار بالقوه آنها، و (رک: بند ت-۲۴)
- ب - اطلاعات کافی برای کمک به درک چارچوب اطلاع رسانی. به طور مشخص، حسابرس باید موارد زیر را تشریح کند: (رک: بند ت-۲۵)
- ب ۱- اشاره به این موضوع که هدف از حسابرسی، اظهار نظر نسبت به صورتهای مالی بوده است،
- ب ۲- اشاره به این موضوع که حسابرسی شامل بررسی کنترلهای داخلی مرتبط با تهیه صورتهای مالی به منظور طراحی روشهای حسابرسی مناسب شرایط موجود و نه به قصد اظهار نظر نسبت به اثربخشی کنترلهای داخلی است، و
- ب ۳- اشاره به اینکه موضوعات اطلاع رسانی شده به ضعفهایی محدود می شود که حسابرس در جریان حسابرسی آنها را مشخص کرده است و به نظر وی برای ارکان راهبری بااهمیت است.

توضیحات کاربردی

تعیین اینکه آیا ضعفهای کنترلهای داخلی مشخص شده اند یا خیر (رک: بند ۷)

- ت ۱- حسابرس برای تعیین اینکه آیا ضعف یا ضعفهایی در کنترلهای داخلی مشخص شده است یا خیر، ممکن است در مورد یافته های خود با سطح مناسبی از مدیران اجرایی مذاکره کند. این مذاکره فرصتی را برای حسابرس فراهم می آورد تا به موقع، در مورد وجود ضعفهایی که ممکن است مدیران اجرایی قبلاً از آنها آگاه نشده باشند، به آنها هشدار دهد. سطح مناسب مدیران اجرایی برای مذاکره در خصوص یافته های حسابرس، سطحی است که با حوزه کنترلهای داخلی مربوط آشنا باشد و قدرت انجام اقدامات اصلاحی در مورد هر یک از ضعفهای مشخص شده در کنترلهای داخلی را داشته باشد. در برخی شرایط، ممکن است مذاکره مستقیم با مدیران اجرایی در خصوص یافته های حسابرس مناسب نباشد، برای مثال، در صورتی که یافته ها بیانگر تردید نسبت به درستکاری یا صلاحیت مدیران اجرایی باشد (به بند ت-۱۷ مراجعه شود).
- ت ۲- حسابرس در مذاکره با مدیران اجرایی در خصوص واقعیتهای و شرایط مربوط به یافته های خود، ممکن است اطلاعات مربوط دیگری، نظیر موارد زیر، را برای بررسی بیشتر کسب کند:
- شناخت مدیران اجرایی از علل واقعی یا احتمالی ضعفها.
 - ضعفهای مورد انتظاری که مدیران اجرایی ممکن است به آنها توجه کرده باشند، برای مثال، ضعف کنترلهای فناوری اطلاعات در پیشگیری از وقوع تحریفها.
 - عکس العمل اولیه مدیران اجرایی به یافته های حسابرس.

ملاحظات خاص واحدهای تجاری کوچک

- ت ۳- اگرچه مفاهیم زیربنایی فعالیتهای کنترلی در واحدهای تجاری کوچک اساساً مشابه واحدهای تجاری بزرگتر است اما نحوه اجرای آنها با هم متفاوت است. علاوه بر این، با توجه به اینکه در واحدهای تجاری کوچک، برخی از کنترلها توسط مدیران اجرایی اعمال می شود، ممکن است انواع خاصی از فعالیتهای کنترلی ضرورت نداشته باشد. برای مثال، اختیار انحصاری مدیران اجرایی برای اعطای اعتبار به مشتریان و تصویب خریدهای عمده، می تواند کنترل مؤثری را بر معاملات و مانده حسابهای عمده فراهم آورد، و در نتیجه، نیاز به فعالیتهای کنترلی تفصیلی تر را کاهش دهد یا منتفی کند.
- ت ۴- علاوه بر این، واحدهای تجاری کوچک اغلب دارای کارکنان کمتری هستند، و در نتیجه امکان تفکیک وظایف محدود می شود. با این وجود، در واحدهای تجاری کوچکی که مالک و مدیر شخص واحدی است، ممکن است مالک - مدیر قادر به اعمال نظارت مؤثرتری نسبت به واحدهای تجاری بزرگتر باشد. این اعمال نظارت بیشتر توسط مدیران اجرایی، احتمال زیر پا گذاشتن بیشتر کنترلها توسط آنها را به همراه خواهد داشت.

ضعفهای بااهمیت کنترلهای داخلی (رک: بندهای ۶-ب و ۸)

- ت ۵- اهمیت یک ضعف یا ترکیبی از ضعفهای کنترلهای داخلی نه تنها به وقوع یک تحریف، بلکه به احتمال وقوع و تبعات بالقوه آن نیز بستگی دارد. بنابراین، ممکن است ضعفهای بااهمیت وجود داشته باشند، حتی اگر حسابرس در جریان حسابرسی تحریفی را مشخص نکرده باشد.
- ت ۶- نمونه هایی از موضوعاتی که حسابرس ممکن است در تعیین بااهمیت بودن یا نبودن یک ضعف یا ترکیبی از ضعفهای کنترلهای داخلی در نظر بگیرد، شامل موارد زیر است:
- احتمال اینکه ضعفها در آینده زمینه ساز بروز تحریفهای بااهمیتی در صورتهای مالی شود.
 - آسیب پذیری دارایی یا بدهی مربوط در برابر تقلب.
 - ذهنی و پیچیده بودن تعیین مبالغ برآوردی، نظیر برآوردهای حسابداری ارزش منصفانه.

استاندارد حسابرسی ۲۶۵

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی

- مبالغی از صورتهای مالی که وجود ضعفها می تواند بر آنها تأثیرگذار باشد.
- حجم عملیاتی که یک مانده حساب یا گروه معاملات در معرض ضعف، داشته است یا می تواند داشته باشد.
- اهمیت کنترلهایی نظیر موارد زیر در فرایند گزارشگری مالی:
 - کنترلهای نظارتی عمومی (نظیر نظارت مدیران اجرایی).
 - کنترلهای مربوط به پیشگیری و کشف تقلب.
 - کنترلهای مربوط به انتخاب و بکارگیری رویه های حسابداری.
 - کنترلهای مربوط به معاملات عمده با اشخاص وابسته.
 - کنترلهای مربوط به معاملات عمده خارج از روال عادی عملیات واحد تجاری.
 - کنترلهای مربوط به فرایند گزارشگری مالی پایان دوره (نظیر کنترلهای مربوط به ثبتهای حسابداری غیرمکرر).
- علت و فراوانی اشکالات کشف شده در نتیجه ضعفهای کنترلی.
- رابطه متقابل بین یک ضعف با سایر ضعفهای کنترلهای داخلی.
- ت-۷. نمونه هایی از نشانه های ضعفهای بااهمیت کنترلهای داخلی شامل موارد زیر است:
 - شواهد حاکی از اثربخش نبودن برخی از عوامل محیط کنترلی، نظیر:
 - وجود نشانه هایی از عدم بررسی دقیق و مناسب معاملات عمده توسط ارکان راهبری که مدیران اجرایی در آنها منافع مالی دارند.
 - تشخیص تقلب مدیران اجرایی (خواه بااهمیت، خواه بی اهمیت) که کنترلهای داخلی واحد تجاری از آن پیشگیری نکرده است.
 - قصور مدیران اجرایی در انجام اقدامات اصلاحی مناسب درخصوص ضعفهای بااهمیتی که قبلاً اطلاع رسانی شده است.
 - نبود فرایند ارزیابی خطر در واحد تجاری که به طور معمول انتظار می رود چنین فرایندی در آن واحد تجاری وجود داشته باشد.
 - وجود شواهدی از اثربخش نبودن فرایند ارزیابی خطر واحد تجاری، نظیر قصور مدیران اجرایی در تشخیص خطر تحریف بااهمیتی که حسابرسان انتظار دارد فرایند ارزیابی خطر واحد تجاری آن را مشخص کرده باشد.
 - وجود شواهدی از اثربخش نبودن برخورد با خطرهای عمده مشخص شده (برای نمونه، نبود کنترل برای چنین خطرهایی).
 - تحریفهای کشف شده در نتیجه اجرای روشهای حسابرسی که توسط کنترلهای داخلی واحد تجاری پیشگیری، یا کشف و اصلاح نشده است.
 - تجدید ارائه صورتهای مالی منتشر شده قبلی به منظور انعکاس اصلاحات انجام شده در خصوص تحریف بااهمیت ناشی از اشتباه یا تقلب.
 - وجود شواهدی از ناتوانی مدیران اجرایی در نظارت بر تهیه صورتهای مالی.
- ت-۸. کنترلها ممکن است به گونه ای طراحی شده باشند که به تنهایی یا در مجموع باعث پیشگیری، یا کشف و اصلاح اثربخش تحریفها شوند^۱. برای مثال، کنترلهای مربوط به حسابهای دریافتی ممکن است شامل هر دو نوع کنترلهای دستی و خودکار باشد و به گونه ای طراحی شده باشند که با هم برای پیشگیری، یا کشف و اصلاح تحریفهای مانده حساب، مورد استفاده قرار گیرند. وجود یک ضعف در کنترلهای داخلی به خودی خود ممکن است آنقدر حائز اهمیت نباشد که بتوان آن را ضعف بااهمیت تلقی کرد. به هر حال، ترکیبی از ضعفهای اثرگذار بر یک مانده حساب یا مورد افشا، ادعای مربوط، یا یکی از اجزای کنترلهای داخلی، ممکن است خطرهای تحریف بااهمیت را چنان افزایش دهد که بتوان آنها را ضعف بااهمیت تلقی کرد.

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی

اطلاع رسانی ضعفهای بااهمیت کنترلهای داخلی به ارکان راهبری (رک: بند ۹)

- ت-۹. اطلاع رسانی کتبی ضعفهای بااهمیت به ارکان راهبری بیانگر اهمیت این موضوع است، و به ارکان راهبری در انجام مسئولیت نظارتی آنها کمک می کند. در استاندارد ۲۶۰ ملاحظات مربوط به اطلاع رسانی به ارکان راهبری، در مواردی که همه آنها در اداره واحد تجاری مسئولیت اجرایی دارند، تعیین شده است^۲.
- ت-۱۰. در تعیین زمان صدور گزارش، حسابرسان ممکن است این نکته را مدنظر قرار دهد که آیا چنین گزارشی، عامل مهمی در کمک به ایفای مسئولیتهای نظارتی ارکان راهبری محسوب می شود یا خیر. باتوجه به اینکه صدور گزارش حسابرسان در مورد ضعفهای بااهمیت، بخشی از کار تکمیل پرونده حسابرسی است، گزارش کتبی در چارچوب الزامات^۳ مربوط به تکمیل به موقع پرونده حسابرسی صادر می شود. براساس استاندارد ۲۳۰ معمولاً تا ۶۰ روز پس از تاریخ گزارش حسابرسان، دوره زمانی مناسبی برای تکمیل پرونده های حسابرسی است^۴.
- ت-۱۱. حسابرسان صرف نظر از زمان اطلاع رسانی کتبی ضعفهای بااهمیت، ممکن است در اولین فرصت آنها را به طور شفاهی به مدیران اجرایی، و در

۱. استاندارد حسابرسی ۳۱۵، بند ۷۳.

۲. استاندارد حسابرسی ۲۶۰، بند ۱۳.

۳. استاندارد حسابرسی ۲۳۰، "مستندات حسابرسی (تجدید نظر شده ۱۳۹۵)"، بند ۱۴.

۴. استاندارد حسابرسی ۲۳۰، بند ۲۶ تا ۲۱.

استاندارد حسابرسی ۲۶۵

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی

- موارد مقتضی، به ارکان راهبری گزارش کند تا به آنها در انجام اقدام اصلاحی برای به حداقل رساندن خطرهای تحریف بااهمیت کمک کند. با این حال، انجام این کار، مسئولیت حسابرس برای اطلاع رسانی کتبی ضعفهای بااهمیت، طبق الزامات این استاندارد را کاهش نمی دهد.
- ت-۱۲. میزان جزئیات اطلاع رسانی ضعفهای بااهمیت، به قضاوت حرفه ای حسابرس در آن شرایط بستگی دارد. نمونه هایی از عواملی که حسابرس ممکن است در تعیین میزان جزئیات اطلاع رسانی در نظر بگیرد، شامل موارد زیر است:
- ماهیت واحد تجاری. برای مثال، اطلاع رسانی برای یک شرکت سهامی عام ممکن است متفاوت از اطلاع رسانی برای سایر واحدهای تجاری باشد.
 - اندازه و پیچیدگی واحد تجاری. برای مثال، اطلاع رسانی برای یک واحد تجاری پیچیده ممکن است متفاوت از اطلاع رسانی برای واحد تجاری با عملیات تجاری ساده باشد.
 - ماهیت ضعفهای بااهمیت مشخص شده توسط حسابرس.
 - ترکیب ارکان راهبری واحد تجاری. برای مثال، اگر ارکان راهبری شامل اعضای باشد که تجربه قابل ملاحظه ای در صنعت واحد تجاری یا حوزه های متأثر از ضعفهای بااهمیت نداشته باشند، ممکن است ارائه جزئیات بیشتری مورد نیاز باشد.
 - الزامات قانونی یا مقرراتی در مورد اطلاع رسانی انواع خاصی از ضعفهای کنترلهای داخلی.
- ت-۱۳. مدیران اجرایی و ارکان راهبری ممکن است قبلاً از ضعفهای بااهمیتی که حسابرس در جریان حسابرسی مشخص کرده است آگاهی داشته باشند و ممکن است به دلیل هزینه بر بودن یا دیگر ملاحظات، از انجام اقدامات اصلاحی خودداری کرده باشند. مسئولیت ارزیابی هزینه ها و منافع انجام اقدامات اصلاحی به عهده مدیران اجرایی و ارکان راهبری است. بنابراین، الزام بند ۹، بدون توجه به هزینه یا سایر ملاحظات که ممکن است از نظر مدیران اجرایی و ارکان راهبری در تعیین اصلاح یا عدم اصلاح چنین ضعفهایی مربوط تلقی شود، همچنان کاربرد دارد.
- ت-۱۴. اگر حسابرس در حسابرسی قبلی ضعف بااهمیتی را به ارکان راهبری و مدیران اجرایی اطلاع رسانی کرده، و اقدام اصلاحی در این خصوص انجام نشده باشد، حسابرس باید اطلاع رسانی را تکرار کند. اگر ضعف بااهمیتی که قبلاً اطلاع رسانی شده است به قوت خود باقی مانده باشد، در اطلاع رسانی دوره جاری ممکن است اطلاع رسانی قبلی تکرار شود، یا اینکه فقط به اطلاع رسانی قبلی ارجاع داده شود. حسابرس ممکن است از مدیران اجرایی، یا در صورت لزوم، ارکان راهبری سؤال کند که چرا ضعف بااهمیت یاد شده هنوز اصلاح نشده است. قصور در انجام اقدام اصلاحی مناسب (در صورت نبود توضیح منطقی)، ممکن است به خودی خود بیانگر ضعف بااهمیتی باشد.

ملاحظات خاص واحدهای تجاری کوچک

- ت-۱۵. در حسابرسی واحدهای تجاری کوچک، ممکن است ساختار اطلاع رسانی به ارکان راهبری در مقایسه با واحدهای تجاری بزرگتر، ساده تر باشد.

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی به مدیران اجرایی (رک: بند ۱۰)

- ت-۱۶. معمولاً سطح مناسب مدیران اجرایی، فردی است که در ارزیابی ضعفهای کنترلهای داخلی و انجام اقدام اصلاحی لازم، دارای اختیار و مسئولیت است. در مورد ضعفهای بااهمیت، سطح مناسب احتمالاً مدیرعامل یا مدیر مالی (یا معادل آنها) است، هر چند اطلاع رسانی این موضوعات به ارکان راهبری نیز الزامی است. در مورد سایر ضعفهای کنترلهای داخلی، سطح مناسب، ممکن است مدیر اجرایی باشد که مشارکت مستقیم تری در حوزه های کنترلی متأثر از این ضعفها دارد و همچنین دارای اختیار انجام اقدام اصلاحی مناسب نیز می باشد.

اطلاع رسانی ضعفهای بااهمیت کنترلهای داخلی به مدیران اجرایی (رک: بند ۱۰-الف)

- ت-۱۷. برخی از ضعفهای بااهمیت مشخص شده در کنترلهای داخلی ممکن است باعث تردید در درستکاری یا صلاحیت مدیران اجرایی گردد. برای مثال، ممکن است شواهدی از تقلب یا عدم رعایت عمدی قوانین و مقررات توسط مدیران اجرایی، یا ناتوانی مدیران اجرایی در نظارت بر تهیه صورتهای مالی وجود داشته باشد که موجب تردید در مورد صلاحیت مدیران اجرایی شود. بنابراین اطلاع رسانی مستقیم چنین ضعفهایی به مدیران اجرایی ممکن است مناسب نباشد.

اطلاع رسانی سایر ضعفهای کنترلهای داخلی به مدیران اجرایی (رک: بند ۱۰-ب)

- ت-۱۸. حسابرس ممکن است در جریان حسابرسی ضعفهای دیگری را در کنترلهای داخلی مشخص کرده باشد که هر چند ضعفهای بااهمیتی نیستند اما ممکن است ارزش اطلاع رسانی به مدیران اجرایی را داشته باشند. تعیین اینکه کدام یک از این ضعفها ارزش اطلاع رسانی به مدیران اجرایی را دارد، به قضاوت حرفه ای حسابرس در آن شرایط بستگی دارد که در آن، احتمال وقوع و اهمیت نسبی تحریفهایی که ممکن است در نتیجه این ضعفها در صورتهای مالی به وجود آید، در نظر گرفته می شود.

- ت-۱۹. در مورد سایر ضعفهای کنترلهای داخلی که ارزش اطلاع رسانی به مدیران اجرایی را دارند، نیازی به اطلاع رسانی کتبی نیست و این کار می تواند به صورت شفاهی انجام شود. زمانی که حسابرس در مورد واقعیتها و شرایط یافته های خود با مدیران اجرایی مذاکره می کند،

استاندارد حسابرسی ۲۶۵

اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی

- ممکن است همزمان این ضعفها را نیز به طور شفاهی به مدیران اجرایی اطلاع دهد، بنابراین متعاقباً نیازی به اطلاع رسانی کتبی نیست.
- ت-۲۰. اگر حسابرسان سایر ضعفهای کنترلهای داخلی را در دوره قبل به مدیران اجرایی اطلاع داده باشد و مدیران اجرایی اقدام اصلاحی لازم را به دلیل هزینه بر بودن یا ملاحظات دیگر انجام نداده باشند، اطلاع رسانی مجدد آنها در دوره جاری ضرورت ندارد. همچنین اگر این گونه ضعفها قبلاً توسط اشخاص دیگری نظیر حسابرسان داخلی یا مراجع قانونی به اطلاع مدیران اجرایی رسیده باشد، حسابرسان ملزم به تکرار اطلاع رسانی چنین ضعفهایی نیست. چنانچه تغییر مدیریتی رخ داده باشد یا حسابرسان به اطلاعات جدیدی دست یابند که شناخت قبلی وی و مدیران اجرایی از ضعفها را تغییر دهد، اطلاع رسانی مجدد این ضعفها می تواند مناسب باشد. با این وجود، قصور مدیران اجرایی در اصلاح سایر ضعفهای کنترلهای داخلی که قبلاً گزارش شده است، ممکن است ضعف بااهمیتی تلقی شود که باید به ارکان راهبری اطلاع رسانی شود. اطلاع رسانی این موضوع به قضاوت حسابرسان در شرایط موجود بستگی دارد.
- ت-۲۱. در برخی شرایط، ارکان راهبری ممکن است مایل باشند از جزئیات سایر ضعفهای کنترلهای داخلی که حسابرسان به مدیران اجرایی اطلاع رسانی کرده است، یا به طور خلاصه از ماهیت سایر ضعفها، آگاه شوند. از سوی دیگر ممکن است به نظر حسابرسان مطلع شدن ارکان راهبری از اطلاع رسانی سایر ضعفها به مدیران اجرایی، مناسب باشد. در هر دو حالت، حسابرسان ممکن است به طور شفاهی یا کتبی (هر کدام مناسب باشد) به ارکان راهبری اطلاع رسانی کنند.
- ت-۲۲. در استاندارد ۲۶۰، ملاحظات مربوط برای اطلاع رسانی به ارکان راهبری در شرایطی که همه اعضای ارکان راهبری در اداره واحد تجاری مسئولیت اجرایی دارند، ارائه شده است.^۱

ملاحظات خاص واحدهای بخش عمومی (رک: بندهای ۹ و ۱۰)

- ت-۲۳. حسابرسان بخش عمومی ممکن است درخصوص اطلاع رسانی ضعفهای کنترلهای داخلی مشخص شده در جریان حسابرسی، روش اطلاع رسانی، میزان ارائه جزئیات و مخاطبان، مسئولیتهای بیشتری از آنچه که در این استاندارد پیش بینی شده است، داشته باشند.

محتوای اطلاع رسانی کتبی ضعفهای بااهمیت کنترلهای داخلی (رک: بند ۱۱)

- ت-۲۴. حسابرسان در تشریح آثار بالقوه ضعفهای بااهمیت، ملزم نیست آثار آن ضعفها را به صورت کمی بیان کنند. ضعفهای بااهمیت ممکن است در شرایطی که برای مقاصد گزارشگری مناسب باشد، گروه بندی شوند. همچنین حسابرسان ممکن است در گزارش کتبی، پیشنهادهایی را برای انجام اقدامات اصلاحی مربوط به ضعفها، اقدامات انجام شده یا پیش بینی شده توسط مدیران اجرایی، و بررسیهای حسابرسان برای تأیید اقدامات مدیران اجرایی درج کنند.
- ت-۲۵. حسابرسان ممکن است اطلاعات زیر را نیز در گزارش کتبی درج کنند:
- اشاره به این موضوع که اگر حسابرسان روشهای گسترده تری را درباره کنترلهای داخلی اجرا می کرد، ممکن بود ضعفهای قابل گزارش بیشتری مشخص می شد، یا به این نتیجه می رسید که گزارش برخی ضعفها لازم نبود.
 - اشاره به این موضوع که اطلاع رسانی برای استفاده ارکان راهبری انجام شده است، و ممکن است برای سایر مقاصد مناسب نباشد.